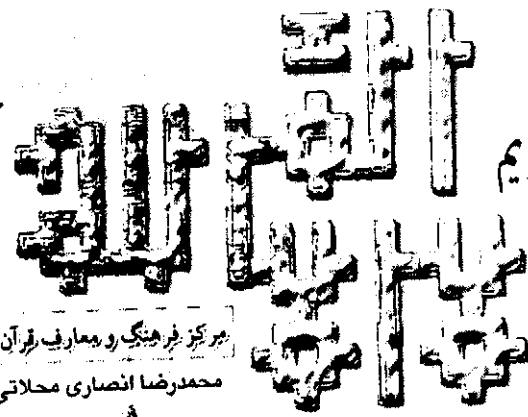


# تدجیم، کرم قرآن



مرکز فرهنگ و معارف قرآن  
محمدرضا انصاری محلاتی

یکی از گام‌های خطیری که مرکز فرهنگ و معارف قرآن در طول تلاش‌های خود در زمینه کارهای قرآنی برداشته، اقدام به تدوین ترجمه‌ای استوار از قرآن کریم است. این ترجمه که در حال حاضر مراحل تصحیح و چاپ خود را می‌گذراند، یکی از ترجمه‌هایی است که در داوری می‌توان گفت به موفقیت‌های چشمگیری در برگردان واژه‌ها و انعکاس معانی آیات دست یافته و از حیث استواری و روانی نثر، سهم بسزایی را به خود اختصاص داده است. البته این نکته را باید یادآور شد که قرآن چون کلام الهی است و از مبدأ ربوبی فرود آمده و مفاهیمی بس بلند و والاد در قالب عباراتی اعجاز‌آمیز دارد، فکر بشر توان دستیابی به همه ابعاد آن را ندارد و به همین سبب است که مفسران و مترجمان چیره دست نیز در برابر آن اظهار عجز و ناتوانی می‌کنند و بر این باورند که عمق مفاهیم آیات الهی برای همگان دست‌یافتنی نیست و تنها کسانی که مورد خطاب قرآنند - یعنی پیامبر و امامان معصوم - می‌توانند بر ژرفای این حقیقت جاوید آسمانی آگاهی یابند. ما در این نوشتار برآنیم تا ترجمه‌ای را که براساس معیارهای خاص در مرکز فرهنگ و معارف قرآن پدید آورده‌ایم به شما خوانندگان گرامی معرفی کنیم. سخن ما در این زمینه براساس سه محور قرار می‌گیرد؛ نخست اینکه چه عامل و انگیزه‌ای ما را بر آن داشت که به تدوین این ترجمه اقدام کنیم؟ و دیگر اینکه اصول و مبانی حاکم بر این ترجمه چیست؟ و سرانجام اینکه این ترجمه در میان دیگر ترجمه‌های فارسی قرآن کریم از چه جایگاهی برخوردار است؟

## انگیزه تدوین این ترجمه

یکی از کارهای اساسی مرکز از آغاز تأسیس، ساماندهی و تکمیل یادداشت‌های قرآنی



اندیشمندان قرآن پژوه، آیت الله هاشمی رفسنجانی، تحت عنوان تفسیر راهنما بود. مرکز پس از آنکه در سال ۱۳۶۶ مجموعه فیش‌های گردآوری شده در زمینه موضوعات قرآنی را برای ساماندهی و تکمیل در اختیار گرفت، با تلاش بی‌گرومی از قرآن پژوهان کار خود را آغاز کرد. محصول این تلاش‌ها، دوره ۲۰ جلدی کتاب ارزشمند تفسیر راهنما بود که مجلدات آن به تدریج یکی پس از دیگری به چاپ رسید و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت.

این تفسیر، نخست ترجمه آیات را به همراه نداشت. پس از تحقیق و نشر هفت جلد از آن، براساس پیشنهاد‌های مکرر بسیاری از خوانندگان مبنی بر ضمیمه کردن ترجمه آیات به آن، مرکز تصمیم گرفت مجلدات بعدی آن را همراه با ترجمه آیات منتشر کند. پس از فحص و بررسی به این نتیجه رسید که ترجمه‌ای که صددرصد صحیح و مورد اطمینان باشد در دست نیست و ترجمه‌های موجود - به رغم تلاش گسترده برخی مترجمان آنها - خالی از نقص و ایراد نیستند. حقیقت امر این است که گرچه تجربه‌های جدید در کار ترجمه قرآن موجب پیشرفت‌های خوبی در این میدان گردیده و بعضی از ترجمه‌های انجام شده در سال‌های اخیر از دقت نسبی برخوردارند و اشتباهات کم‌تری در آنها راه یافته است، ولی باز هم اگر تأمل کنیم می‌بینیم هیچ مترجمی حرف آخر را نزده و ترجمه‌اش صد در صد پیراسته از کاستی، نارسایی و اشتباه نیست. بر این اساس، مرکز بر آن شد که با همکاری تنی چند از متخصصان به نگارش ترجمه‌ای که هم از نظر صحت و استواری و هم از جهت نثر و نگارش سهم بسزایی داشته باشد اقدام کند. این کار در سال ۱۳۷۷ آغاز گردید و به توفیق و عنایات خداوند، پس از سه سال تلاش بی‌گیر اصل کار پایان پذیرفت. طبیعی بود که این کار نیاز به تجدید نظر و بازبینی‌های مکرر داشت؛ از این رو پس از پایان یافتن ترجمه، بر حسب ضرورت به بازنگری و بازنگاری مجدد آن پرداخته شده و اصلاحات و پیشنهاد‌های مختلفی که از سوی اعضای گروه تفسیر داده می‌شد مورد توجه قرار می‌گرفت. سرانجام کار به مرحله نهایی خود رسید و ترجمه صورت کمال پذیرفت. در اینجا مناسب است به روند شکل‌گیری کار، از آغاز تا رسیدن به مرحله نهایی اشاره شود:

۱. هسته اصلی ترجمه، براساس تفاسیر معروف شیعه و اهل سنت از قبیل: تبیان، مجمع البیان، المیزان، تفسیر طبری، کشاف، التحریر و التنویر و دیگر تفاسیر، توسط آیت الله حاج شیخ نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی (رحمة الله علیه) شکل گرفته است.
۲. تصحیح و ویرایش و بازسازی ترجمه در دو نوبت، یک بار همراه با ترجمه تدریجی قرآن در جلسات مشورتی با مترجمان، و بار دیگر پس از پایان یافتن ترجمه، توسط اینجانب انجام شده است.
۳. بررسی و بازبینی ترجمه توسط چند تن از اعضای گروه تفسیر راهنما، همراه با ارائه پیشنهادها



اصلاحی انجام شده که بخش عمده پیشنهادهای در اصلاح نهایی مورد توجه قرار گرفته است .  
۴ . از آنجا که تدوین این ترجمه در اصل با هدف درج آن در ذیل آیات تفسیر راهنما بوده ،  
طبعاً در برداشت های تفسیری ، نظر گروه تفسیر مورد توجه قرار گرفته تا میان ترجمه آیات و تفسیر  
آنها هماهنگی وجود داشته باشد .

۵ . پس از طی مراحل فوق ، به منظور حصول اطمینان بیشتر ، برای آخرین بار ترجمه توسط  
حجة الاسلام والمسلمین آقای ابوطالب طالبی (عضو گروه تفسیر راهنما) از آغاز تا انجام مجدداً  
به دقت بررسی گردید و نکات و پیشنهادهایی از سوی ایشان مطرح شد که بخش عمده آنها با  
مشورت و رایزنی با مصحح و ویراستار محترم در ترجمه اعمال گردید .

### اصول و مبانی ترجمه

ترجمه هر متنی می تواند به یکی از دو شکل صورت پذیرد ، یا به صورت آزاد که مترجم خود  
را در بند الفاظ ، تعبیرات و ساختار متن محدود نسازد و با در نظر گرفتن مفهوم و مراد جمله ، آن  
را در قالب زبان مقصد بریزد ، و یا به صورت مقید ، که مترجم خود را به الفاظ و تعبیرات و  
ساختار متن مقید سازد و از ویژگی های متنی تخطی نکند و قالب های ساختاری متن را به ترجمه  
منتقل کند . البته ترجمه مقید ، گاه به صورت تحت اللفظی انجام می پذیرد و گاه با حفظ نثر زبان  
مقصد و رعایت دستور زبان آن . در ترجمه قرآن نیز تقسیم های فوق قابل تصور است . گرچه  
عظمت قرآن کریم و اهمیت ترجمه آن سبب شده است که تاکنون کم تر کسی به ترجمه آزاد قرآن  
روی بیاورد ، و به همین جهت در طول چهارده قرن گذشته ترجمه هایی که از قرآن - چه به صورت  
خطی و چه به صورت چاپی - باقی مانده همه به صورت تحت اللفظی انجام شده و حتی یک واو  
رفاء از آن در ترجمه اسقاط نشده است ، لیکن در نیم قرن اخیر ، ترجمه قرآن از حالت تحت اللفظی  
بیرون آمده و غالباً - به ویژه در یکی دو دهه اخیر - با نثری معیار نگارش یافته است . ترجمه مورد  
سخن ما نیز بر مبانی ترجمه مطابق و رعایت نثر معیار صورت گرفته است ؛ یعنی در حقیقت  
چیزی از متن در ترجمه کاسته نشده و معانی آیات با حفظ ساختار متن در عین رعایت مقتضیات  
زبان فارسی منعکس گردیده است . در این ترجمه اصول و مبانی فراوانی مورد توجه بوده که ذیلاً  
به مهم ترین آنها اشاره می شود .

۱ . در ترجمه واژه ها ، معنای اصلی واژه مورد توجه قرار گرفته و از ذکر لازم معنی یا مراد  
تفسیری به جای آن پرهیز شده است .

۲ . تأکید ، همان گونه که در عربی از جایگاهی خاص برخوردار است ، در زبان فارسی نیز

برای خود جایگاهی دارد از این رو ادوات تأکید به نوعی در ترجمه منعکس شده اند ، مگر آنکه ادوات  
تأکید صرفاً برای ربط دادن مفردات کلام به یکدیگر باشند ، مانند مواردی که «ان» پس از ماده  
«قول» و مشتقات آن قرار گرفته که ترجمه آن در زبان فارسی به صورت تأکید مقتضی ندارند .

۳ . حذف مبتدا یا خبر یا جزای شرط و مانند اینها در زبان عربی متداول است و قرآن نیز از  
این قاعده مستثنا نیست . در این ترجمه ، برای وضوح مطلب ، مواردی که اظهار محذوف مورد  
نیاز بوده ، محذوف آورده شده است . این گونه محذوف ها در ترجمه میان دو قلاب قرار گرفته اند .

۴ . واژه ها یا تعبیراتی که در ترجمه نیاز به توضیح دارند ، توضیحات آن ها میان پرانتز آمده است .

۵ . در سراسر ترجمه ، توضیحات تفسیری فراوانی بر گرفته از تفاسیر ، به اقتضای عبارات  
متن آیه آورده شده که تمامی آنها برای حفظ مرز ترجمه و توضیحات ، میان دو قلاب قرار گرفته اند .

۶ . افزوده های تفسیری و محذوف هایی که میان دو قلاب قرار گرفته اند ، به گونه ای تنظیم  
شده اند که ساختار عبارتی ترجمه را مختلف نمی کنند و نظم کلام - چه با خواندن محتوای قلاب ها  
و چه با حذف آنها - همچنان محفوظ است .

۷ . یکسان سازی تعبیرات مشابه قرآنی در ترجمه ، یکی از اصولی است که در این اثر مورد  
توجه قرار گرفته و تا حد امکان رعایت شده است .

### جایگاه این ترجمه در میان دیگر ترجمه ها

چنان که در آغاز سخن گفتیم ، ترجمه قرآن کریم - بر خلاف سایر متون - کاری بس دقیق و  
دشوار است و علاوه بر تخصص های لازم و احاطه به علوم مربوط ، ژرف نگری همه جانبه ای را  
می طلبد ؛ به گونه ای که اگر دقت لازم صورت نگیرد مترجم ناخودآگاه دچار اشتباهاتی می شود  
که هرگز تصور آن را نمی کرد . این دشواری کار - چنان که اشاره کردیم - به سبب آن است که قرآن  
کلام بشر نیست و از ساختاری ویژه ترتیب یافته و احاطه بشر به تمامی ابعاد آن ناممکن است .  
در ترجمه مورد بحث ، با اعتراف به دشواری این کار ، تلاش بر این بوده است که تا حد امکان  
معانی واژه ها آن گونه که هست منعکس شود و ساختار عبارات نیز به گونه ای مورد توجه قرار گیرد  
که ترجمه از معنای مراد آیه فاصله نگیرد . در این میان می توان به ذکر نمونه هایی پرداخت و آنها را  
با ترجمه های دیگر مقایسه کرد .

ناگفته نماند که معانی انتخاب شده در این ترجمه برای واژه ها یا تعبیرات مورد نظر چنان  
نیست که در هیچ ترجمه ای به این صورت نیامده باشد ، ولی اگر ترجمه ها را از قدیم و جدید  
بررسی کنیم می بینیم درصد اندکی به این نکات توجه داشته اند و غالباً براساس انس ذهنی با

تعبیرات متداولی که در ترجمه‌ها بوده واژه قرآنی را ترجمه کرده‌اند. اکنون به نمونه‌ها توجه کنید:

### ۱. ساختار تفضیل عالی در قرآن کریم

در قرآن کریم، همدانگونه که ساختار تفضیلی «احسن» به صورت مذکر به کار رفته، به صورت مؤنث آن «حسنى» نیز در آیات فراوانی به کار رفته است. چنان که در علم نحو مطرح شده، تفضیل گاه به صورت نسبی است و گاه به صورت عالی. در تفضیل نسبی، برتری به صورت نسبی و نه مطلق لحاظ می‌شود، مثلاً می‌گوییم: «زید احسن من عمرو» یعنی زید بهتر از عمرو است، و این بدان معنی است که در مقایسه میان زید و عمرو بهتر بودن را برای زید اثبات می‌کنیم، در حالی که در مقایسه زید با دیگران، ممکن است دیگری بر زید برتری داشته باشد. ولی در تفضیل عالی، فردی که برتری داده شده، بر تمام افراد به طور مطلق برتری یافته است؛ مثلاً اگر بگوییم «زید احسن الناس» بدین معنی است که کسی در خوبی برتر از زید نیست. تعبیراتی که در قرآن کریم به صورت تفضیل عالی در ساختار «حسنى» و «وثقى» و مانند آن آمده همه دلالت بر تفضیل عالی دارند، و اصولاً در این گونه موارد، تفضیل نسبی مناسب نیست. به چند نمونه توجه کنید:

الف: در آیه ۱۸۰ سوره اعراف آمده است: **وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا...** روشن است که نام‌هایی که به خدا اختصاص دارد بهترین نام‌هاست، زیرا بهتر از نام‌های خدا نامی قابل تصور نیست؛ بنابراین باید به اقتضای مورد، تفضیل در واژه «حسنى» را به صورت عالی ترجمه کنیم نه نسبی؛ چنان که بسیاری از مترجمان آن را به صورت نسبی ترجمه کرده و گفته‌اند: «نام‌های نیکوتر از آن خداست». در ترجمه مرکز بدین صورت آمده است: «و نیکوترین نام‌ها مختص خداست، پس او را با آن نام‌ها بخوانید...»

ب: نیز در آیه ۱۸ سوره رعد می‌خوانیم: **لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمُ الْحُسْنَىٰ**، از آن‌جا که پاداش آخرت بهترین پاداش است و مقصود از واژه «حسنى» در اینجا پاداش آخرت است، باید این ساختار نیز به صورت تفضیل عالی ترجمه شود از این رو در ترجمه مرکز آمده است: «کسانی که دعوت پروردگارش را اجابت کرده‌اند نیکوترین پاداش را خواهند داشت».

ج: نمونه دیگر را در تعبیر «العروه الوثقى» می‌توان مورد دقت قرار داد. «وثقى» مؤنث «اوثق» است و دلالت بر تفضیل عالی دارد، زیرا این تعبیر که در دو جای قرآن (بقره/۲۵۶ و لقمان/۲۲) آمده مبتنی بر دو واقعیت است که هر دو با تفضیل عالی تناسب دارد. در سوره بقره آمده است: **فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ**، و در سوره لقمان آمده: **وَمَنْ يَسْلَمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ**. چنان که ملاحظه می‌کنید، در

سوره بقره عدم گرایش به طغیانگران و ایمان به خدا به عنوان محکم‌ترین دستگیره معرفی شده و در سوره لقمان نیز تسلیم بودن در برابر خدا و نیکوکار بودن به عنوان محکم‌ترین دستگیره بیان گردیده است، و ما می‌دانیم که بالاتر از ایمان به خدا و تسلیم بودن در برابر ذات او دستگیره‌ای قابل تصور نیست. به همین سبب، این دو آیه در ترجمه مرکز به ترتیب بدین صورت ترجمه شده‌اند: «پس هر کس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد، قطعاً به محکم‌ترین دستگیره که گسستنی نیست، چنگ زده است». قابل ذکر است که در آیات فوق بسیاری از مترجمان، تفضیل را به صورت نسبی ترجمه کرده‌اند که درست نیست.

### ۲. ساختار ترکیبی «بهيمة الانعام» و ترجمه آن

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أَحَلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةَ الْأَنْعَامِ...» نکته‌ای که در اینجا قابل دقت است و مورد بی‌توجهی بسیاری از مترجمان قرار گرفته، تعبیر ترکیبی «بهيمة الانعام» است. روشن است که اضافه «بهيمة» به «انعام» اضافه بیانی و از قبیل «خاتم فضه» است. در اضافه بیانی، همواره مضاف‌الیه بیانگر نوع مضاف است؛ یعنی مضاف دارای انواع متعدد است و با آمدن مضاف‌الیه آن نوع مشخص می‌شود. در حقیقت در این مثال، «خاتم» که مضاف است شامل تمام انواع آن از طلا و نقره و غیره می‌شود و با آمدن «فضه» نوع آن مشخص می‌گردد و لذا در ترجمه آن می‌گوییم: «انگشتر نقره‌ای». در تعبیر آیه نیز همین گونه است. واژه «بهيمة» به معنای «زبان بسته» است و تمامی حیواناتی را که قدرت گویایی ندارند شامل می‌شود ولی با آمدن «انعام» که در لغت عرب به معنای «شتر و گاو و گوسفند» است نوع خاصی از زبان بستگان مشخص می‌شود. در حقیقت آیه در مقام این است که حلال بودن گوشت شتر و گاو و گوسفند را بیان کند. برگردان دقیق این تعبیر که هم با ظاهر آیه و هم با واقعیت تطابق دارد در ترجمه مرکز بدین صورت آمده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به پیمان‌ها وفا کنید. زبان بسته‌های دامی (شتر و گاو و گوسفند) برای شما حلال شده‌اند...»

این در حالی است که بسیاری از مترجمان، «بهيمة الانعام» را به «چهارپایان» ترجمه کرده‌اند و برخی هم که خواسته‌اند حفظ امانت بیشتری داشته باشند، آن را به «چهارپایان زبان بسته» برگردانده‌اند؛ در صورتی که هیچ‌یک از این دو تعبیر صحیح نیست و با آیه مطابقت ندارد، زیرا تعبیر «چهارپایان» اگر شامل درندگان نشود، حداقل شامل اسب و استر و الاغ خواهد شد و مقصود از «انعام» اسب و استر و الاغ نیست. چنان که تعبیر «چهارپایان زبان بسته» نیز درست نیست، زیرا در این صورت صفت «زبان بسته» قید توضیحی خواهد شد، چرا که همه چهارپایان زبان بسته‌اند.

### ۳. جایگاه «بلی» در قرآن کریم

واژه «بلی» در قرآن کریم در آیات فراوانی به کار رفته است. این واژه همواره مسبوق به نفی است بر خلاف «نعم» که در پاسخ از استفهام مثبت قرار می‌گیرد. نفی که «بلی» مسبوق به آن است، و یا با استفهام همراه است و یا بدون استفهام است. در صورتی که نفی، همراه با استفهام باشد، «بلی» برای تصدیق و تقریر خواهد بود، مانند آیه شریفه: «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ فَالْوَالِیَ» (اعراف، ۷/۱۷۲) که این گونه ترجمه می‌شود: آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: چرا اما در صورتی که نفی، مجرد از استفهام باشد: «بلی» برای رد آن نفی است که در فارسی با تعبیراتی از قبیل: «چنین نیست، و مانند آن ترجمه می‌شود. به طور کلی باید گفت که ترجمه «بلی» به «آری» در این گونه موارد درست نیست و مفهوم آیه و ارتباط نفی و منفی را درست منعکس نمی‌کند. بالاتر اینکه اگر در پاسخ از استفهام تقریری مانند آیه «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ» واژه «بلی» به «آری» ترجمه شود، منفی مورد تقریر قرار می‌گیرد و مقصود آیه کاملاً عوض می‌شود. دقت در ترجمه واژه «بلی» در سراسر قرآن کریم بر حسب مفهوم آیه‌ای که این واژه در آن به کار رفته یکی از نکاتی است که در ترجمه مرکز مورد توجه قرار گرفته است.

ما در اینجا به ذکر نمونه‌های فوق بسنده می‌کنیم، زیرا نکات قابل دقت در ترجمه آیات، فراوان است و پرداختن به نمونه‌های بیشتر موجب اطاله بحث می‌شود. تنها خواستیم به چند نمونه مهم که در طول تاریخ ترجمه غالباً مورد غفلت قرار گرفته است اشاره کنیم. البته ما مدعی آن نیستیم که ترجمه مرکز از هر گونه کاستی و ایرادی میراست، ولی بر این باوریم که تا حد امکان در کار ترجمه دقت شده است. البته چون متن قرآن کلام خداوند است و ترجمه آن هرگز نمی‌تواند بیانگر تمام مفاهیم متن باشد، باید اعتراف کنیم که تلاش ما هر قدر هم فراوان باشد، باز در برابر عظمت کلام خدا ناچیز و قاصر است. این گونه تلاش‌ها تنها می‌تواند تجربه‌ای جدید برای رسیدن به تجربه‌هایی کامل‌تر در زمینه ترجمه این وحی نامه آسمانی باشد، وگرنه ما معتقدیم که این ترجمه نیز به یقین آخرین حرف را نخواهد زد.